



مخزن العرفان؛ تفسیری قابل استفاده برای عموم مردم/ گرایش اخلاقی و تربیتی بانو مجتهده امین

رئیس انجمن قرآن پژوهی حوزه در مورد روش بانو مجتهده امین در تفسیر مخزن العرفان، به استفاده وی از روش های قرآن به قرآن، روایی و نیز مباحث عقلی و عرفانی اشاره کرد و به تبیین روش جامع در تفسیر قرآن پرداخت.

رئیس انجمن قرآن پژوهی حوزه در مورد روش بانو مجتهده امین در تفسیر مخزن العرفان، به استفاده وی از روش های قرآن به قرآن، روایی و نیز مباحث عقلی و عرفانی اشاره کرد و به تبیین روش جامع در تفسیر قرآن پرداخت.

به گزارش خبرگزاری بین المللی قرآن (ایکنا)، در دوره معاصر و به ویژه چند دهه اخیر، تفاسیر فراوانی به زبان فارسی و عربی توسط شیعیان به رشته تحریر در آمده است که می تواند مورد توجه جدی قرآن پژوهان و پژوهشگرانی از رشته های مختلف قرار گیرد که قصد تحقیق و پژوهش یا استفاده از قرآن را دارند.

در راستای معرفی، نقد و ارزیابی تفسیر مخزن العرفان از بانو امین اصفهانی به عنوان یکی از تفاسیر معاصر، با حجت الاسلام و المسلمین حسین علوی مهر، رئیس انجمن قرآن پژوهی حوزه علمیه به گفت و گو نشستیم که بخش نخست آن را در ادامه می خوانید.

ایکنا: برای شروع معرفی ای از مفسر، یعنی بانو مجتهده امین بیان بفرمایید.
بانو امین اصفهانی در سال 1265 شمسی (1308 قمری) متولد می شود. ایشان تحصیل کرده حوزه علمیه شیعه است و در اصفهان تحصیلات خود را گذرانده است و اساتیدش یکی جناب مرحوم میرسیدعلی اصفهانی نجف آبادی که از اوتاد فقها و اصولیین اصفهان بوده است و از نظر علمی جایگاه ویژه ای داشته است، بوده و شخص دیگری هم به نام شیخ مظاهری اصفهانی که ایشان هم از علمای عصر خودشان بوده اند سمت استادی این بانوی بزرگ را به عهده داشته اند.
ایشان در سال 1362 شمسی (1403 قمری) از دار دنیا رحلت می کنند و قبر ایشان هم الان در اصفهان است و مقبره زیبایی است که نمادی از یک بانوی مسلمان است و محل زیارت مؤمنین است.

ایکنا: تفسیر مخزن العرفان به طور کلی چگونه تفسیری است و حاوی چه مطالبی است؟
تفسیر مخزن العرفان یک تفسیر فارسی کامل و به شکل ترتیبی است و از سوره حمد شروع می شود و به ترتیب سوره های قرآن تا پایان سوره ناس ادامه دارد. این تفسیر در 15 جلد و توسط ناشرین مختلف به چاپ رسیده است.
در این تفسیر یک سری مطالب عمومی که در بسیاری از تفاسیر دیگر هم مشاهده می کنیم، وجود دارد؛ از جمله بیان تعداد آیات هر سوره، مکی و مدنی بودن سوره ها، همچنین فضائلی که برای هر سوره وجود دارد و بیان روایات فضائل السور. در ادامه هم ایشان به ترجمه آیه می پردازد و بعد از آن به شرح لغات و واژگان به شکل کوتاه و بعد هم یک شرح عمومی بر آیات می نویسد. ایشان طبق روال کار یک مفسر آیات را دسته بندی می کند و بعد به توضیح آن ها می پردازد.
این تفسیر یک تفسیر عمومی است و به گونه ای خلاصه و تقریباً تا حدودی گویا نوشته شده است و برای عموم مردم قابل استفاده است و وارد عرصه پیچیدگی های تخصصی نشده است، برای مثال این که مباحث نحوی را با پیچیدگی های خاص آن مطرح کند، مفسر در صدد بیان این مسائل نیست؛ هر چند گاه گاهی اصطلاحات تخصصی فلسفی و عرفانی هم در این تفسیر پیدا می شود.

ایکنا: روش بانو امین در تفسیر مخزن العرفان چیست؟
از نظر روش ما می توانیم روش های مختلفی را در این تفسیر ببینیم، روش هایی که هیچ کدام روش غالب و روش اصلی نیست، بلکه گاه گاهی این روش ها در ضمن تفسیر مخزن العرفان مشاهده می شود. یکی از این روش ها روش تفسیر قرآن به قرآن است که گاه گاهی ایشان مطالب را با توجه به آیات دیگر توضیح می دهد؛ به ویژه جاهایی که مطالب کم است و شرح و بیان این ها به کمک آیات می آید و آیه ای را تفسیر می کند. همچنین روش روایی هم در این تفسیر مشاهده می شود، اما این روش هم روش غالب این تفسیر نیست، بلکه ما گاه گاهی می بینیم که به این مباحث پرداخته است. همچنین در مخزن العرفان روش عقلی گاه گاهی به مباحث و استدلال های عقلی پرداخته می شود، ولی این روش هم چندان پررنگ نیست و روش غالب این تفسیر نیست و همه جا به این روش پرداخته نمی شود.

ایکنا: رویکرد و گرایش مفسر چیست؟
از نظر گرایش، مهم ترین گرایش و ویژگی این تفسیر را باید گرایش تربیتی و اخلاقی آن بدانیم. در واقع مفسر در صدد آن است که یک چهره تربیتی از قرآن کریم برای مخاطب خود معرفی کند و در صدد است که قرآن را کتابی برای تربیت و کتابی برای هدایت انسان معرفی کند. مفسر در ضمن تفسیر آیات به این گرایش خیلی می پردازد و مهمترین جهت تفسیر شاید همین

باشد و از گرایش اخلاقی و تربیتی مخزن العرفان بتوانیم به این عنوان نام ببریم. سایر گرایش‌ها مانند گرایش کلامی هم در این تفسیر دیده می‌شود، اما این گرایش اصلی مفسر نیست. ایشان گاه گاهی مباحث کلامی را آورده است و برای اثبات عقاید و اثبات توحید و امامت که دیدگاه‌های شیعه را اشراف می‌دهد استدلال‌های خوبی هم دارد، اما در همه‌جا این‌گونه نیست و این گرایش را هر چند در آیات مختلفی مشاهده می‌کنیم اما به نحوه غالب مطرح نیست.

این رویکرد گاهی همراه با بیان شبهه و پاسخ به شبهات و پرسش‌هاست و مفسر شبهه‌ای و پرسشی را مطرح می‌کند و به آن شبهه می‌پردازد و پاسخ می‌دهد که این هم نکته جالبی است برای کسانی که امروزه می‌خواهند به پاسخدهی به شبهات بپردازند. برای مثال از جمله بحث‌های کلامی‌ای که ایشان دارد بحث جبر و اختیار، بحث اثبات امامت، بحث هدایت و ضلالت در قرآن و بحث نعمت‌های الهی و از این دست مباحث است که گاه گاهی هم این مباحث را با روایات قرین می‌کند و مباحث را دینی و مذهبی ارائه می‌دهد.

ایکنا: با توجه به این‌که این تفسیر، مخزن العرفان نام گرفته است، آیا گرایش عرفانی‌ای در این تفسیر وجود ندارد؟
بله، گرایش عرفانی هم در این تفسیر پیدا می‌شود، اما در واقع نه عرفان به معنای اصطلاحی که به روش باطنی به تأویلات عرفانی بپردازد. ما گاه گاهی ضمن مباحثی که مفسر دارد مطرح می‌کند اصطلاحاتی فلسفی یا اصطلاحات خاص عرفانی را می‌یابیم، اما ورود به این مباحث به گونه‌ای که برای مثال در تفسیر ملاصدرا یا مثل تفسیر ابن عربی مطرح است نیست و اصطلاحاتی که در آن تفاسیر هست، خیلی در اینجا مشاهده نمی‌شود. این عنوان شاید برآمده از همین گرایش و البته با توجه به اصل بودن گرایش هدایتی و تربیتی برای این تفسیر انتخاب شده است.

ایکنا: شما در توضیحاتی که در مورد روش این تفسیر داشتید، گفتید که این تفسیر روش غالبی ندارد. آیا به نظر شما یک تفسیر لازم است وحدت روشی داشته باشد؟ بر همین اساس ارزیابی شما از نبود یک وحدت روشی در تفسیر مخزن العرفان چیست؟

اگر تفسیری در واقع یک روش روشن و معین داشته باشد، ما می‌توانیم به خوبی برای آن تفسیر جایگاهی را تعریف کنیم و در طبقه‌بندی تفاسیر جایگاهی را به آن اختصاص دهیم و آن تفسیر جایگاه اصلی خود را پیدا می‌کند. اما وقتی که در یک تفسیر به شکل پراکنده به روش‌های مختلف پرداخته شود، هر چند این شکل تفسیر را منع نمی‌کنیم و نمی‌گوئیم که برای مثال تفسیر بدی است اما از نظر روشی آن را روشمند نمی‌دانیم.

مفسر در تفسیر مخزن العرفان هر جا مشکلی یا هر جا بحثی به تناسب دیده است به آن روش تکیه کرده و روشی را انتخاب کرده است و به تفسیر پرداخته است. و این مسئله در چارچوب روش‌شناسی مطلوب نیست.

این‌که بعضی تفاسیر جایگاه خیلی خوبی پیدا می‌کنند، اتفاقاً به خاطر همین روشمندی و بحث روشی آنهاست. برای مثال تفسیر البرهان مرحوم محدث بحرانی هر چند که استدلال ندارد اما جایگاهی دارد و در ذیل تفاسیر روایی قرار می‌گیرد. تفسیر المیزان هم به همین شکل، تفسیر کشف زمخشری هم هر چند ممکن است که بحث‌های اعتقادی در آن کمتر مطرح باشد اما از نظر ادبی یکی از مهمترین تفاسیر است و هر کسی که قصد انجام بحث‌های ادبی در مورد قرآن دارد به سراغ تفسیر کشف می‌رود. مباحث کلامی هم برای مثال در تفسیر فخر رازی خیلی مهم است چرا که گرایش ایشان به طور عموم کلامی است؛ هر چند البته می‌توانیم تفسیر ایشان را اخلاقی و تربیتی هم بدانیم. البته در این جا هم مقصود نکات اخلاقی و تربیتی برای عموم مردم است و نه برای متخصصین؛ و اگر برای مثال اصول و مبانی تربیت را بخواهیم در این تفسیر جستجو کنیم شاید کمتر به آن توجه شده باشد.

ایکنا: با توجه به این‌که روش جامع در تفسیر قرآن نیز مطرح است، آیا نمی‌توان گفت که الگوی روشی بانو امین که از روش‌های مختلف در تفسیر خود بهره برده است، الگویی جامع است؟

روش جامع وقتی است که یک مفسر در آیات فراوانی از چند روش استفاده کند. برای مثال من برای اثبات فلان موضوع هم از آیات قرآن استفاده کنم، هم از روایات استفاده کنم و هم بیایم و از استدلال و برهان عقلی استفاده کنم. در این صورت این روش من یک روش جامع، اجتهادی و کامل می‌شود. اما اگر من به طور پراکنده آدمم و در تفسیر یک آیه از روش قرآن به قرآن استفاده کردم و در آیه دیگری از روش روایی استفاده کردم و در آیه دیگری استدلال عقلی آوردم، این رویه نامگذاری آن را به یک روش جامع در تفسیر دشوار می‌کند.

بنابراین منظور از روش جامع در تفسیر این است که مفسر در اکثر آیات روش‌های مختلف را پوشش داده باشد و نه این‌که به طور پراکنده به تفسیر برخی از آیات با روش‌های مختلف پرداخته باشد.

ایکنا: خب ممکن است در بعضی موارد روایتی وجود نداشته باشد و جایی بحث عقلی دشوار باشد. آیا این پوشش روش‌های مختلف به طور نسبی هم در این تفسیر وجود ندارد؟

نه، به طور نسبی هم چنین چیزی وجود ندارد. این‌که روایت نباشد و یا بحث عقلی هم ممکن نباشد از استثنائات است و آن موارد هم مشخص است، اما به طور عموم ما وقتی که از روش تفسیر قرآن به قرآن سخن می‌گوئیم باید غالب آن تفسیر قرآن

به قرآن باشد؛ در این صورت اگر در جایی هم از این روش استفاده نکرده باشد آن آسیبی نمی‌رساند. نمونه یک تفسیر با روش جامع، المیزان است. المیزان ضمن این که روش تفسیر قرآن به قرآن دارد، دارای یک روش جامع هم هست، چون به استدلالات و مباحث عقلی هم تکیه دارد و بحث روایی هم دارد و به نقد و بررسی دیدگاه‌های مختلف هم می‌پردازد. تفسیر نمونه هم تقریباً این مشی را دارد و در قالب تفسیر آیات به این نکته‌ها می‌پردازد.

ایکنا: شما در یکی از گفت‌وگوهایی که راجع به تفاسیر معاصر داشتیم، از روش تدبر در قرآن سخن گفتید. آیا می‌توان گفت که بانو امین در کنار تفسیر قرآن به قرآن و تفسیر روایی و مباحث فلسفی و عرفانی از همین روش تدبر در قرآن استفاده کرده است؟ تا چه حد می‌شود گفت که تدبر در قرآن روش ایشان است؟

بله، این مسئله قابل تأیید است که ایشان با استفاده از آیات و تدبر در آیات به تفسیر پرداخته است و می‌توانیم بگوئیم که نکته‌های تربیتی و هدایتی را با استفاده از همین روش از درون آیات استخراج کرده است. می‌توانیم این را استفاده کنیم و مشکلی نخواهد داشت

ایکنا: آیا می‌توان از این روش به عنوان روشی در کنار سایر روش‌ها سخن گفت؟

شاید نشود از آن به عنوان یک روش رسمی سخن گفت و به عنوان روشی که در تقسیم‌بندی‌ها بخشی به آن اختصاص یابد، هنوز در نام‌گذاری‌ها نیامده است، اما اشکالی ندارد و با توجه به این که قرآن برای تدبر است و خود به این امر دعوت کرده است، روش تدبری را هم در تفسیر مطرح کنیم.